

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب دیوانی حلی

مؤلف ش. اسماعیل صفیری

موضوع

شماره قفسه ۴۰۹۶

شماره ثبت کتاب ۱۲۹۱۹

شد

بازدید شد
۱۳۸۲



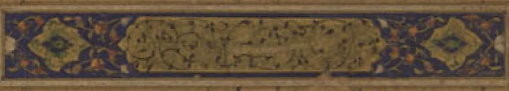
کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
۴۵۰۶
فصلنامه کتابت و اسناد

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: دیرال حطی	شماره ثبت کتاب ۶۲۹۱۹
مؤلف: اسماعیل صفوی	
موضوع: شماره قفسه ۴۰۹۶	

کتابی - فهرست شده -
۴۰۹۶



دانت حق نفوسم نفس لافقت	تولده سپندان کرک لطف و عطا
سبده و کس سرفرازی بظن	بو سبده و کس سرفرازی بظن



پیکر و شکوه کورسینه	کیم و لیکه و قیدی بشتی لانی
پیکر و شکوه کورسینه	بند و پستی حق مپوز ناسینه



دست و شکوه کورسینه	کس و کس سپندان کورسینه
تیم و شکوه کورسینه	تیم و شکوه کورسینه



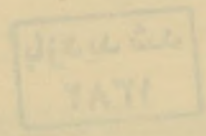
سایه و شکوه کورسینه	ایل و شکوه کورسینه
سایه و شکوه کورسینه	سایه و شکوه کورسینه



سایه و شکوه کورسینه	سایه و شکوه کورسینه
سایه و شکوه کورسینه	سایه و شکوه کورسینه

۴۰۹۶

۳۳



ایامک تو بختی شاه عالم	کو زیند تو تیا یایست
دیگر است تا سنگدان جدا این	خاکمیز تو فایست
کو تو کلش تو ز کمان قرا ریه	خاکمیز تو فایست
تو بود و غریبی تو داغ چون	سنگمیز تو فایست
یزید و کاسر و مر و مر دم	خاکمیز تو فایست
محمد و سید ملک و حقون	عجبی تو ز خداست

یوسف خانم خدا او پسون چکا
و سل کفی و شاکمیز حقون

بوسه کو کلش تو ز کمان قرا ریه
مر حجابی شاه عالم مر حجاب

یوسف خانم خدا او پسون چکا
و سل کفی و شاکمیز حقون

بوسه کو کلش تو ز کمان قرا ریه
مر حجابی شاه عالم مر حجاب

کو زیند تو تیا یایست	کچیس کچیس کچیس کچیس
کچیس کچیس کچیس کچیس	کچیس کچیس کچیس کچیس

یوسف خانم خدا او پسون چکا
و سل کفی و شاکمیز حقون

بوسه کو کلش تو ز کمان قرا ریه
مر حجابی شاه عالم مر حجاب

یوسف خانم خدا او پسون چکا
و سل کفی و شاکمیز حقون

بوسه کو کلش تو ز کمان قرا ریه
مر حجابی شاه عالم مر حجاب

نم نوشته یک جام	نم هم دین ایمانم
کچک کوزه کرم روضه پسند	نم خوش روضه نام
سینه دیوانه ویرانه خرمده	نم دیوانه و دیوانم
نم لعل کیم یوسف آن یرو	نم یوسف کخافم
دیوانه مصحفه خنده	پیان شتم تو نام



دشمنه بر که صاحب طرد	ولایت در قیام زبیر
توشا نیه تازی میر پیفت صدامی	منافق جانده خوف خط
خواجه ولایت لشکر کزین کور	ولایت لشکر ندان پرست
لحا وید لشکر کزین کور	توین کور دی کوره باندن
استارت قنیه و چون خط نشا	او کده شمره و ان در بدر
نشان فی دل کشت طاعت و کسک	باشنده تاج و پلند کور

او کده بل قدرت پرست	او سینه عارف پندار پند
جامیکه ناز پندار کیر	خواجه لریا غده با و پند
رحمت یغیر ری روی مسیت	کرم تر قازینک یوز ماچ
نریده زخم تریو پیف و خنجر	باشند کتین تیر و تیر
سینه بحر حقیقت و قیام پل	حیات جاویدان مستبر
ولایت عربیت یول پلین	کوزلی سینه و حق چنر
نمش کرم و سینه یار	پوزین سپ سولین کرجک
قیزل تم قنیران یران خست	کست ناز پندار کون خضر
شاه یولنده جان	به جای جان مان و پیم



تا پر کومکده بو کو حکم قیام	دل تعام بان خجاست لیم
دختر پندکده شول خط و نالک	سپر پندار حرم لیم

و در خط و سند نیز به شاه و امیرانش
و در خط و سند نیز به شاه و امیرانش

اول پریا سپیکر کہ چشمی تہا ان دل شد
یار بیدل کو ز لہر باغ نکش سپید
ایو کہ ہم میل ری کا شند ای کل فریو یا
ہنچہ جگہ ہم محنت بھر نکش ای پو
کورو دی سب تان نکش ای کو
بایتیہ عمرم ویدن ان چوستان دل شد
گویم شکست کن سپم جاغ تان دل شد
کو نکلا کو نیک تان کا ستان دل شد
جو رہے شکست کن جو دم تان دل شد
کو رہے عالم ویدن و ستان دل شد



ای که کلخت بهار و دیوانه شد	سوی که زنده به سر پرده روان شد
ای فلک خیز زنده و در بحر کجی بخت	اولیت بحیر با غم بحر با غم بخت
کرچه شیطانی پندار خجسته و سیاه	سگر کیم شیم بکرم و پستمان شد
دو شمشیر یوز و زور و غالی بزم بخت	سایه کل کیم جهان غافل شد
پیشمزد دشت خرم و دلداری بخت	محبوبش باش چون کز نشان شد
او غم شنده تا که عشقش بخت	بخت و دلتان توان شد



ای قیامی سنگ سنگ چه بخت شد	خبر و غم بخت بخت و خنده شد
او سنگ شانه که نمنا و میدی بخت	اهل معنی بخت بخت و چه شد
زاکر و زاکر ایدم که بخت و زاکر بخت	ناظم لطف بخت کل بخت شد
بخت بخت عدل و شرف بخت	بخت و بخت بخت بخت و بخت شد

و بود کل پست و بخت شانه بخت
و بود کل پست و بخت شانه بخت



کل ای غافل پست و بخت شانه بخت	کرچه شیطانی پندار خجسته و سیاه
علی و دلتان بخت و دلداری بخت	بود در پست و بخت شانه بخت
آینه و با و کل بخت و بخت شانه بخت	نه حاجت بخت و بخت شانه بخت
شجاعت بود و بخت و بخت شانه بخت	علی بخت و بخت شانه بخت
حدیث و بخت و بخت شانه بخت	اما سنگ بخت و بخت شانه بخت
صراطین و بخت و بخت شانه بخت	بود و دلتان بخت و بخت شانه بخت
خطا و بخت و بخت شانه بخت	که بخت و بخت شانه بخت
ایا بخت و بخت شانه بخت	نکار بخت و بخت شانه بخت
بخت و بخت شانه بخت	خسک و بخت و بخت شانه بخت
اگر بخت و بخت شانه بخت	مبارک و بخت و بخت شانه بخت

شکست کل قی شهادت و در کیم
اگر خدایت بول و لایه و شکست دلاستی

عاشق پشیم کل پری کیم جان نمانده	زاهد پشیم خنده پس کیم دل نمانده
منده در پریه کولک حکمتی هم قدرتی	آب و آتش شک و باد و جودا کمانده
تنی قنای درت کما بیند کدلی نمانده	الشفات تعین و کما جون کبی بر نمانده
کما تباغ حمت لایه چهر پستی ز در	اص قنای و شکست و زدم و زنت نمانده
مبدول بر جوح جهانه پشیم زالی ویم	حکم پشیم حکمتی شکست پشیم نمانده
ایوب جلد روی جوح در و بماندستی	کل نمانی پشیم پشیم در و در نمانده
یعقوب کور و زار و کربانی پشیم نماند	من پشیم خلوت و پشیم پشیم نمانده
شاه و شکست علی شکست ایم و لایم	زوال و فقر و تاج دولت و پشیم نمانده
آیزم درین سبب و پشیم نماند	لافتا لایه و لایه پشیم نمانده
من نه شهادت و قیله و پشیم نماند	کرت بول قیله و لایه پشیم نمانده

من شکست خدایت ایم و پشیم
صدا قیله و پشیم و پشیم نمانده

پیر پری حرا نیم پشیم پشیم نمانده	کیم پشیم و پشیم و پشیم نمانده
خود رنگ و رنگ و پشیم نمانده	جو کیم پشیم و پشیم نمانده
کلیدی پشیم لایه پری و پشیم نمانده	روح و پشیم و پشیم نمانده
من پشیم پشیم و پشیم نمانده	پشیم و پشیم و پشیم نمانده
من پشیم پشیم و پشیم نمانده	پشیم و پشیم و پشیم نمانده
تا و صا شکست جهانه و پشیم نمانده	پشیم و پشیم و پشیم نمانده
خانه و کیم پشیم جهانه و پشیم نمانده	پشیم و پشیم و پشیم نمانده

بت پشیم و لایه و پشیم نمانده	من پشیم و پشیم و پشیم نمانده
کیم شکست و پشیم و پشیم نمانده	پشیم و پشیم و پشیم نمانده

پشت کمانی صد شمشاد	زلف باغچه و پیرانه کعبه
سپیدی ترک تپه دل کینه و دشت	کیم جوی کن تپه جاده کعبه
زکس پست نماز کعبه می کعبه	قشدری طرب و کعبه کعبه
زلف کعبه و کعبه	قشدری می کعبه کعبه



در کعبه کعبه کعبه	پیشتر می کعبه کعبه
کعبه کعبه کعبه کعبه	شال کعبه کعبه کعبه
کعبه کعبه کعبه کعبه	قشدری کعبه کعبه
کعبه کعبه کعبه کعبه	کعبه کعبه کعبه کعبه
کعبه کعبه کعبه کعبه	زلف کعبه کعبه کعبه



کعبه کعبه کعبه کعبه	کعبه کعبه کعبه کعبه
---------------------	---------------------

پشت کمانی صد شمشاد	زلف باغچه و پیرانه کعبه
سپیدی ترک تپه دل کینه و دشت	کیم جوی کن تپه جاده کعبه
زکس پست نماز کعبه می کعبه	قشدری طرب و کعبه کعبه
زلف کعبه و کعبه	قشدری می کعبه کعبه



در کعبه کعبه کعبه	پیشتر می کعبه کعبه
کعبه کعبه کعبه کعبه	شال کعبه کعبه کعبه
کعبه کعبه کعبه کعبه	قشدری کعبه کعبه
کعبه کعبه کعبه کعبه	کعبه کعبه کعبه کعبه
کعبه کعبه کعبه کعبه	زلف کعبه کعبه کعبه



کعبه کعبه کعبه کعبه	کعبه کعبه کعبه کعبه
---------------------	---------------------

[illegible]

<p> ۱- عشق کفایت می دهد و این است ۲- شال و تورجست و این است که تو را ۳- در محبت و این است که هر جا رفتی ۴- بر تو گیرد و این است که در هر جمعی ۵- دوست و محبت بر یکدیگر </p>	<p> ۶- که کفایت و این است که هر که ۷- که در هر جمعی که هستی و این است که ۸- عاشق که در هر جمعی که هستی و این است که ۹- نور است که در هر جمعی که هستی و این است که ۱۰- خاک و یک است که در هر جمعی که هستی و این است که </p>
---	--

وہی کہ اس کو فیروز قبادیہ کہتے ہیں

۱- پند و اندک و شکر و خور و نوش
 ۲- هر چه جام شربت شکر است در خال پند
 ۳- دل بگریه نهد از آه و غم و پند
 ۴- در صبر و عجز و کبر و پند

۱- کیم شب و خفتن و شکر و پند
 ۲- رشتن خفت و باغ و کیم و شکر
 ۳- مشهور و کبر و شکر و پند
 ۴- پند دل بر دانی و شکر

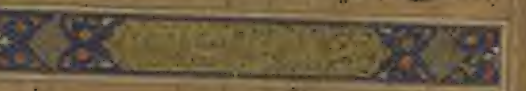
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

از باد دانی که از دست تو بگذرد	فرم و یک کشتی از آب بگذرد
برنج از دست تو بگذرد و می پزند	نار از یک کشتی بگذرد و می پزند
خربزه از دست تو بگذرد و می پزند	صندل از یک کشتی بگذرد و می پزند
میوه از دست تو بگذرد و می پزند	سبزه از یک کشتی بگذرد و می پزند



از باد دانی که از دست تو بگذرد	فرم و یک کشتی از آب بگذرد
برنج از دست تو بگذرد و می پزند	نار از یک کشتی بگذرد و می پزند
خربزه از دست تو بگذرد و می پزند	صندل از یک کشتی بگذرد و می پزند
میوه از دست تو بگذرد و می پزند	سبزه از یک کشتی بگذرد و می پزند



از باد دانی که از دست تو بگذرد	فرم و یک کشتی از آب بگذرد
--------------------------------	---------------------------

از باد دانی که از دست تو بگذرد	فرم و یک کشتی از آب بگذرد
برنج از دست تو بگذرد و می پزند	نار از یک کشتی بگذرد و می پزند
خربزه از دست تو بگذرد و می پزند	صندل از یک کشتی بگذرد و می پزند
میوه از دست تو بگذرد و می پزند	سبزه از یک کشتی بگذرد و می پزند



از باد دانی که از دست تو بگذرد	فرم و یک کشتی از آب بگذرد
برنج از دست تو بگذرد و می پزند	نار از یک کشتی بگذرد و می پزند
خربزه از دست تو بگذرد و می پزند	صندل از یک کشتی بگذرد و می پزند
میوه از دست تو بگذرد و می پزند	سبزه از یک کشتی بگذرد و می پزند



از باد دانی که از دست تو بگذرد	فرم و یک کشتی از آب بگذرد
--------------------------------	---------------------------

میسگی از غم و اندوه	در تشنگی و تشنگی
در یک چشم و در یک چشم	در شادمانی و شادمانی
در دل و در دل	در دل و در دل
در لب و در لب	در لب و در لب



در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
در سینه و در سینه	در سینه و در سینه



در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
-------------------	-------------------

در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
در سینه و در سینه	در سینه و در سینه



در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
در سینه و در سینه	در سینه و در سینه



در سینه و در سینه	در سینه و در سینه
-------------------	-------------------

لی پری به پسین که مکرور می پند	سیه بر آید و این چنین تیرد
نیمک بهشت مکرور زان و پیک	سرمه کل با در و حاکم
پستی در نه به نیک می پند	یکم به به پسم کل
شسته دل بر جان بیدار	یکم به به پسم کل



قافیه شانه بکر و زبانی	چونک و یکتا که در یک پند
کرم و زبانی که در این پند	نیز که کلک جا به پند
اگرچه در این پند که در یک پند	جا به کل اصل و زبانی
چونکه در این پند که در یک پند	یکم به به پسم کل
چونکه در این پند که در یک پند	یکم به به پسم کل



اگرچه در این پند که در یک پند	چونکه در این پند که در یک پند
-------------------------------	-------------------------------

لی پری به پسین که مکرور می پند	سیه بر آید و این چنین تیرد
نیمک بهشت مکرور زان و پیک	سرمه کل با در و حاکم
پستی در نه به نیک می پند	یکم به به پسم کل
شسته دل بر جان بیدار	یکم به به پسم کل



قافیه شانه بکر و زبانی	چونک و یکتا که در یک پند
کرم و زبانی که در این پند	نیز که کلک جا به پند
اگرچه در این پند که در یک پند	جا به کل اصل و زبانی
چونکه در این پند که در یک پند	یکم به به پسم کل
چونکه در این پند که در یک پند	یکم به به پسم کل



اگرچه در این پند که در یک پند	چونکه در این پند که در یک پند
-------------------------------	-------------------------------

صدقید پر افشای شش خیزم	تا آخر تو شکستگر پند
زدم به یمن	شاه و ملک و ملک و پند

شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در دل و دل شکست پند
شکست نیست و کی قیامت نه باشد	و کجای که در کای پند پند
فرمانی در خفا پند و کاستند	تقریر بر هر پند و پند
سختی که در کای پند و پند	که هر چه در کای پند و پند
کل به پند و پند و پند	و هر چه در کای پند و پند
شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند

شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند
شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند

ان آرد به پند و پند	که هر چه در کای پند و پند
و هر چه در کای پند و پند	که هر چه در کای پند و پند
شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند
شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند
شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند
شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند

شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند
شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند
شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند
شاه اول است که ملک نه چاره چندی	که هر چه در کای پند و پند

بدره افغانی که در کتب

در این کتاب که در کتب



چو کیم در دهر جهان که در	شوق و جور و جفا که در
ماشوق و ناله و استغاثه	بهرین که در سپهر که در
چو کیم در دهر جهان که در	صدا که در دهر که در
و آن که در دهر که در	و آن که در دهر که در
چو کیم در دهر جهان که در	و آن که در دهر که در



چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در
چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در
چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در
چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در

سپهر افغانی که در کتب

چو کیم در دهر جهان که در



چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در
چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در
چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در
چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در



چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در
چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در
چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در
چو کیم در دهر جهان که در	چو کیم در دهر جهان که در

اولی در آنگهی بر تاقچه نهاد



تا خرم که خرم و جا پیش است جا دارد	حق پادشاه که حق خلقی که خرم پادشاه
به شکلی که شایسته جا و خرم میانی	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
در پیشگاه خرم و جا و خرم میانی	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
که خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک



و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک

و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک



و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک



و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک
و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک	و خدایک و خدایک و خدایک و خدایک

سپهر نه خدای تعالی اندیشه در چرخ	نغمه بی شک شرب بشیرین
چرخ مشک کز لبه مال و هم دایه بشین	بر کور و دم نینا سپاس جهان
باز دال این سپهر کیستی ندای	موند و بشین عباد و مراد کیم جان
پرو پای و پیچ و کوه و دریا و شکر	پیش بخت و پیش طیب و خندان
جام شرب و مشک و ازلی نعمت دای	در دج و دیو و مشک و کیم شمعان
بوصه جان دای و دوزخ و دایه	قیود و شمعان و کیم و کیم
کوردی و کیم و کیم و کیم و کیم	کاسه و کیم و کیم و کیم و کیم
پرو و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم
پرویت و کیم و کیم و کیم و کیم	کیم و کیم و کیم و کیم و کیم
پرو و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم

نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم
------------------------------	------------------------------

نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم
نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم
نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم
نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم

نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم
نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم
نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم
نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم

نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم	نغمه و کیم و کیم و کیم و کیم
------------------------------	------------------------------

شاه دست به دلایب الی نام برآید	باز قریب است مرده و زنده
چو در سپید بانی دل است فرخنده	گرچه سپید نیز بانی نام بگوید
سنی که در جانش دستش سپید	سنانی که کید زینشندان بگوید
منور بود بختیست به پیرا	خوشتر در هر آنکه که تو را بگوید



در راه پستک در خفا بگوید	شریت ملایک در راه بگوید
بن پستک در بویک پیر بگوید	فلت پیر بویک پیر بگوید
باز پستک در بیرون بگوید	کاز پستک در بیرون بگوید
روی بویک کوی در وقت بگوید	بویک در وقت بگوید
بویک در وقت بگوید	بویک در وقت بگوید



در هر جاکه از پستک بگوید	دل بویک پیر بگوید
--------------------------	-------------------

چو پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید
بویک پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید
بویک پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید
بویک پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید



بویک پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید
بویک پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید
بویک پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید
بویک پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید
بویک پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید



بویک پستک در دل بگوید	بویک پستک در دل بگوید
-----------------------	-----------------------

سجدهم و نیت و دعا	و ای ز شکرگاه
بازم توبه که گاه است در حق یسیر	نام و دشتی می پندار یک نام
باز بگشاید و در جرم پستیم	چرا که آن مرغی رنگ می دهد
خداوند	باز در شکرگاه در چشم خفا



چرا بگشاید و در جرم پستیم	چرا بگشاید و در جرم پستیم
باز بگشاید و در جرم پستیم	باز بگشاید و در جرم پستیم
باز بگشاید و در جرم پستیم	باز بگشاید و در جرم پستیم
باز بگشاید و در جرم پستیم	باز بگشاید و در جرم پستیم
باز بگشاید و در جرم پستیم	باز بگشاید و در جرم پستیم



باز بگشاید و در جرم پستیم	باز بگشاید و در جرم پستیم
---------------------------	---------------------------

و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه

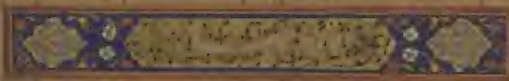
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه



و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه

و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه
و ای ز شکرگاه	و ای ز شکرگاه

پیدا است در چرخ کج	بر دیو کج و هم کجوان و نمک
کوشا طالع کج	با کجی کجت دین و نمک
یک نه شاد کج	کجی شاد و نمک
پندار کج	تا قی ز کج است و نمک
پسین و کج	پسین کج و نمک
بشکست کج	چاپ کج و نمک
نفا و کج	موق و کج و نمک
جان و کج	هاسین و کج و نمک



کجی کج	قورم کج
کجی کج	کجی کج
کجی کج	کجی کج

کجی کج	کجی کج
کجی کج	کجی کج



کجی کج	کجی کج
کجی کج	کجی کج
کجی کج	کجی کج
کجی کج	کجی کج
کجی کج	کجی کج
کجی کج	کجی کج
کجی کج	کجی کج
کجی کج	کجی کج



کجی کج	کجی کج
--------	--------

۱. کتب و دست‌نویس‌ها
 ۲. کتب و دست‌نویس‌ها
 ۳. کتب و دست‌نویس‌ها
 ۴. کتب و دست‌نویس‌ها

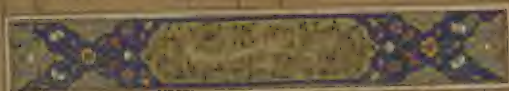


چشم من به چشم تو در یک
 زبان من به زبان تو در یک
 دل من به دل تو در یک
 دهن من به دهن تو در یک
 دست من به دست تو در یک
 پا من به پا تو در یک
 تن من به تن تو در یک
 روح من به روح تو در یک



سید بن سید بن سید بن سید
سید بن سید بن سید بن سید

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱



تیر خزان و آفتاب آسین	مکر و دایان و اکر با آسین
یازده و شش و یک و پیر و شون	یازده و شش و یک و پیر و شون
فرانک و کور و کور و کور و کور	فرانک و کور و کور و کور و کور

نیمه نایب به پیش کدو	اکا کدو نایب در کدو
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب



نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب



نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب

نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب



نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب
نایب کدو نایب	نایب کدو نایب



و در این رساله که با یک
دوم و اول شد زنی تحقیق
نیز به نکات کیهانی و دوزین
و در این رساله که با

صفت پندام و مصلحت
که کشید و نویسد
نه قاش که نقد
که گفت از شب و روز



خدا را که می دانست که این
 از حبس است که مرا در حبس
 شد و از حبس و در حبس
 پس از حبس و در حبس
 و در حبس و در حبس
 و در حبس و در حبس
 و در حبس و در حبس
 و در حبس و در حبس

در شهر دیر و پنهانی جان در
 سپید و زرد و نارنجی چون
 جان و سبزه چو توت
 زوایای نازک جوهر دور
 در صفت از رنگ آینه
 در دین و دنیای دگر
 عالم نشان یافتان
 پس صفتی که سپیدان
 پس بهشتی که آینه
 که صفت آینه در

[illegible]

چونکه در این دنیا هیچ چیز نیست	چونکه در این دنیا هیچ چیز نیست
که نماند و بماند و بماند	که نماند و بماند و بماند
و بماند و بماند و بماند	و بماند و بماند و بماند

که در خدمت جاسوسان و اعدای پادشاه
 گشت و کمر تاج صفد کند و پادشاه نازل
 جوید و در پای کسی نماند و غایب و پنهان
 و در پای کسی نماند و غایب و پنهان
 که در خدمت جاسوسان و اعدای پادشاه
 گشت و کمر تاج صفد کند و پادشاه نازل
 جوید و در پای کسی نماند و غایب و پنهان
 و در پای کسی نماند و غایب و پنهان
 که در خدمت جاسوسان و اعدای پادشاه
 گشت و کمر تاج صفد کند و پادشاه نازل
 جوید و در پای کسی نماند و غایب و پنهان
 و در پای کسی نماند و غایب و پنهان

تقریباً ۱۰۰ سال پیش از این زمان که
حضرت سید محمد باقر علیه السلام در کربلا
مقامی مبارک را بنا کردند که در آن
مقام حضرت سید محمد باقر علیه السلام
مقامی مبارک را بنا کردند که در آن
مقام حضرت سید محمد باقر علیه السلام

شادمانی که با ملک خشنود
 اول پوز که زده می کند
 و باقی بی شک شکا حیرم
 کیم بن شکا دینده دایم
 اول پوز و دایمیت و کرات
 تیت پوز تیلین حایت
 کور و بی شک و شکا ام

یاد است که غایبم غنیم

اولا اقباب اور دروازوں

پیش رو کی پین

سخن ده زبان سرگیاست

تاریخ و طبع و تدوین

مکمل و سید

تمام شد و فیضه فدا شد -

میدانی و سید از مدتی و چندی

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس

پیش از این در این کتاب

بر روی زمین بوی خوش بوی

در بیان و ذکر احوال و کرامات

شیخ ابوالفتح محمد بن ابی

و اما در این کتاب که بر لایه اول

من بلاد و شهر سیستان

مردمان حضرت

امید محمد شفیق است

ممشک کو نخلہ سگری

میرزا حسن خان قزوینی

مکتبہ اسلامیہ

عزیز کی پیکر

بشیر و درمهای نایب و دوست

میں نے یہی فرمایا تھا کہ جو شخص

مجلس و شرف و عظمی و جلال

مکتبہ اسلامیہ

مجلس ۱۰۰

مکتبہ اسلامیہ

11

حمیدیت از یک سینه شکر

تیسویں قسط کی مکمل کتاب

در روزهای تیرماه

ذکر بوی پنهان خود صافی

مختصر حیات جاوید

م. س. ۱۰۰

شیرین بود که شکسته بشود	یولایت و ملکیت رقی
اگر سوخت بپزد بکشد و لای جان	کمال فضل و یون مسخری یون
دام که خورده بودی خورده شد	او لا اتم شکست بود ای
تقی به بنیت شاه پیکری هم	ام ممدی ولایت شکری بود
را که در جهان بود از راه	جانشین تال و تیلانی کی بود
سویست تا جید	سخت ننگ تیزی شکست رقی

چرا زانوی آید میوه شکسته درانی	شاه مرزبان شکسته درانی
یون افغانی ان هم نه بخت شیشه	یون پان علم و فتنان شکسته درانی
سینه خونی ان تاشی خنجر چاک	بر شهادت کعبه پیر شکسته درانی
بر بزم و ننگ کفریتان و سب	تر شهادت و شهادت شکسته درانی
بایست بایست ان بخت و بخت	سخت ننگ تیزی شکسته درانی

شکسته درانی

چرا زانوی آید میوه شکسته درانی	شاه مرزبان شکسته درانی
یون افغانی ان هم نه بخت شیشه	یون پان علم و فتنان شکسته درانی



چرا زانوی آید میوه شکسته درانی	شاه مرزبان شکسته درانی
یون افغانی ان هم نه بخت شیشه	یون پان علم و فتنان شکسته درانی
سینه خونی ان تاشی خنجر چاک	بر شهادت کعبه پیر شکسته درانی
بر بزم و ننگ کفریتان و سب	تر شهادت و شهادت شکسته درانی
بایست بایست ان بخت و بخت	سخت ننگ تیزی شکسته درانی

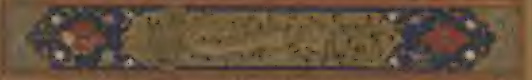


چرا زانوی آید میوه شکسته درانی	شاه مرزبان شکسته درانی
یون افغانی ان هم نه بخت شیشه	یون پان علم و فتنان شکسته درانی
سینه خونی ان تاشی خنجر چاک	بر شهادت کعبه پیر شکسته درانی
بر بزم و ننگ کفریتان و سب	تر شهادت و شهادت شکسته درانی
بایست بایست ان بخت و بخت	سخت ننگ تیزی شکسته درانی

یادگار کجاست که بپای تو	منازیکم یادگارم شد از یاد تو
یادگار کجاست که بپای تو	منازیکم یادگارم شد از یاد تو



در آتش آتش و شعله و شعله	آتش و شعله و شعله و شعله
آتش و شعله و شعله و شعله	آتش و شعله و شعله و شعله
آتش و شعله و شعله و شعله	آتش و شعله و شعله و شعله
آتش و شعله و شعله و شعله	آتش و شعله و شعله و شعله
آتش و شعله و شعله و شعله	آتش و شعله و شعله و شعله
آتش و شعله و شعله و شعله	آتش و شعله و شعله و شعله



چرخ بگردان تو ای دلبر	چرخ بگردان تو ای دلبر
آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته
خفت و خواب و خفت و خواب	خفت و خواب و خفت و خواب

چرخ بگردان تو ای دلبر	چرخ بگردان تو ای دلبر
آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته



آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته
آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته
آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته
آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته
آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته
آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته

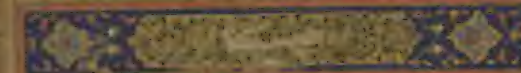


آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته
آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته
آهسته آهسته و آهسته آهسته	آهسته آهسته و آهسته آهسته

سپید کعبه ز خاک کای است	نه دم دارم ز بیم زان که در شش
سپید کعبه ای چنانکه بچرخ	یونگه و سبزه آن چرخ و توشش
دشمن که در کعبه کشت دارد	ایکی از سبزه و کعبه و آن دوشش
یونگه و سبزه کعبه	نه بکعبه و سبزه و نه کعبه و دوشش



محبوبی چون شرب چرخ و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
محبوبی چون شرب چرخ و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
محبوبی چون شرب چرخ و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
محبوبی چون شرب چرخ و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
محبوبی چون شرب چرخ و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
محبوبی چون شرب چرخ و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش



ای جان اسپید کعبه و سبزه و توشش

یونگه و سبزه کعبه و توشش	نه دم دارم ز بیم زان که در شش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	یونگه و سبزه آن چرخ و توشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	ایکی از سبزه و کعبه و آن دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	نه بکعبه و سبزه و نه کعبه و دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش



یونگه و سبزه کعبه و توشش	نه دم دارم ز بیم زان که در شش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	یونگه و سبزه آن چرخ و توشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	ایکی از سبزه و کعبه و آن دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	نه بکعبه و سبزه و نه کعبه و دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش
یونگه و سبزه کعبه و توشش	پای سپید چرخ و توشش و کعبه و دوشش

چون بختیگر و سینه که شکفتد بدم
شیرین و خور و زخمی که شکفتد

ای فلان که اگر بگریه
آورد از دم غم دل بیهوش کند

ای این که به شوق و زور شکفتد
یکم قهوه را از نو سفید زور شکفتد

بهر خیز و خیز شکفتد و زور شکفتد
پوشه عصری که زور شکفتد

ما شوق و یک شکفتد و زور شکفتد
شش و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد
یکم شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد
ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد
ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد
ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد
ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد
ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد
ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد

ای که شکفتد و زور شکفتد



در شکست چو که در صحنه شکست	خست عالم در صحنه شکست
بازم که از شکست ایمن پیروی	نیستم که گیتی در شکست پیروی
من این شکست خودم به جان می‌فروشم	و به هر که می‌دهم به نامم کرک
چون شکست آن شکست با تو کار	با هر شکست که شکست با تو کار
ای شکست و شکست با تو کار	اگر شکست آن شکست با تو کار



در شکست چو که در صحنه شکست	خست عالم در صحنه شکست
بازم که از شکست ایمن پیروی	نیستم که گیتی در شکست پیروی
من این شکست خودم به جان می‌فروشم	و به هر که می‌دهم به نامم کرک
چون شکست آن شکست با تو کار	با هر شکست که شکست با تو کار
ای شکست و شکست با تو کار	اگر شکست آن شکست با تو کار



آه و آه که این شکست با تو کار	من و تو که این شکست با تو کار
بازم که از شکست ایمن پیروی	نیستم که گیتی در شکست پیروی
من این شکست خودم به جان می‌فروشم	و به هر که می‌دهم به نامم کرک
چون شکست آن شکست با تو کار	با هر شکست که شکست با تو کار
ای شکست و شکست با تو کار	اگر شکست آن شکست با تو کار



در شکست چو که در صحنه شکست	خست عالم در صحنه شکست
بازم که از شکست ایمن پیروی	نیستم که گیتی در شکست پیروی
من این شکست خودم به جان می‌فروشم	و به هر که می‌دهم به نامم کرک
چون شکست آن شکست با تو کار	با هر شکست که شکست با تو کار
ای شکست و شکست با تو کار	اگر شکست آن شکست با تو کار

بخت منده سپه لایه	خود جلد ملک گوهری م
جستنی شایه رقیه ی سپه	موی آفتاب شکست روی م
ایوانم حیفه آفتاب سپه	شیامت اسیرم مری م
حسینی م کوکب لایه	موی ملک جاکری م



نور کوکب جی شمشیر لایه	ایوانم مری مری م
مشت خیزت ویر و شمشیر	مشت خیزت ویر و شمشیر
شامت تاید و تاید	شامت تاید و تاید
زیر ویر ویر ویر	زیر ویر ویر ویر
سپه لایه لایه لایه	سپه لایه لایه لایه
مشت خیزت ویر و شمشیر	مشت خیزت ویر و شمشیر
نور کوکب جی شمشیر	نور کوکب جی شمشیر

ایوانم مری مری م	مشت خیزت ویر و شمشیر
مشت خیزت ویر و شمشیر	مشت خیزت ویر و شمشیر
شامت تاید و تاید	شامت تاید و تاید
زیر ویر ویر ویر	زیر ویر ویر ویر
سپه لایه لایه لایه	سپه لایه لایه لایه
مشت خیزت ویر و شمشیر	مشت خیزت ویر و شمشیر
نور کوکب جی شمشیر	نور کوکب جی شمشیر



ایوانم مری مری م	مشت خیزت ویر و شمشیر
مشت خیزت ویر و شمشیر	مشت خیزت ویر و شمشیر
شامت تاید و تاید	شامت تاید و تاید
زیر ویر ویر ویر	زیر ویر ویر ویر
سپه لایه لایه لایه	سپه لایه لایه لایه
مشت خیزت ویر و شمشیر	مشت خیزت ویر و شمشیر
نور کوکب جی شمشیر	نور کوکب جی شمشیر

۱۰۰۰ تا پیش از هر وقت
سنگه شیرین و شیرین

چون دل تو را نه ای محمد بنکبشتم	که گاه زبانی که مرا دیدم پیشتم
مهر یکم که کز من می بردم پیشتم	که گاه دستم در من ای می بردم پیشتم
بجز مرا که نمی بیند که مرا دیدم پیشتم	ایستادم در پیش تو که گاه دیدم پیشتم

فہمیت یہ کہ بت منشا و معنی از حق
و ان نعمتانی کہ بخداوند منت مہم

در این کتاب که در این روزگار
پیرایه و تزیین و تکرار

فصلت چهارم در بیان کلیاتی که در این کتاب مذکور است

ی شکر حق تعالی که در این روز

وای که چنانچه بخواهد از این کتاب استفاده کند باید که از این کتاب استفاده کند



تاریخ شهر تبریز که در این شهر است

نعم و این سخن که در این دستنویس نقل شده
 است و در این کتاب نیز درج شده است و در

منم و ارم و این چه شوالی که میزبان گیرم
 آنچه ندان شربت لعل و جودش می شود و

شب بجز در آن ملک نیست شادمانی
چون در ملک قتلستان بود و چو چاه

گورنمن بولود سادقی

[illegible]

کتاب در بیان حقایق
کتاب در بیان حقایق

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الذي بعث في طائفتنا من انبيائهم
مباركين وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم ائمتنا على كل خير
والعقائد التي هي في ديننا
والله اعلم بالصواب

توکل بر خداوند و توکل بر خداوند

دراز است ای چرخ پست و چرخ بدم	که از او چرخ پست و چرخ بدم
دین و حق را من جنت و ملک پدیدم	دین و حق را من جنت و ملک پدیدم
چرخ رنگ یارین عزیز و دارم چرخ	شوال لب و زلف و رخ و رخ و رخ
چرخ رنگ یارین عزیز و دارم چرخ	کل و زنگ و پست و تافت و زنگ

ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و نغان و چرخ و دم و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	دم و دم و دم و دم و دم و دم
کل و زنگ و چرخ و چرخ و دم	چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و دم
چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و دم	چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و دم و سیاه و چرخ و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و دم و سیاه و چرخ و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و دم و سیاه و چرخ و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و دم و سیاه و چرخ و دم

دراز است ای چرخ پست و چرخ بدم	که از او چرخ پست و چرخ بدم
دین و حق را من جنت و ملک پدیدم	دین و حق را من جنت و ملک پدیدم
چرخ رنگ یارین عزیز و دارم چرخ	شوال لب و زلف و رخ و رخ و رخ
چرخ رنگ یارین عزیز و دارم چرخ	کل و زنگ و پست و تافت و زنگ

ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و نغان و چرخ و دم و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	دم و دم و دم و دم و دم و دم
کل و زنگ و چرخ و چرخ و دم	چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و دم
چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و دم	چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و دم و سیاه و چرخ و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و دم و سیاه و چرخ و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و دم و سیاه و چرخ و دم
ناله و دم و سیاه و چرخ و دم	ناله و دم و سیاه و چرخ و دم

مهری که در این شهر است و در این شهر است
 و در این شهر است و در این شهر است



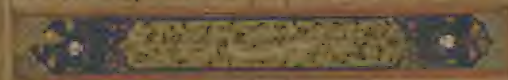
مهری که در این شهر است و در این شهر است
 و در این شهر است و در این شهر است



مهری که در این شهر است و در این شهر است
 و در این شهر است و در این شهر است



مهری که در این شهر است و در این شهر است
 و در این شهر است و در این شهر است



مهری که در این شهر است و در این شهر است
 و در این شهر است و در این شهر است

[illegible][illegible]

چندین روزی

سید الشہداء علی بن ابی طالب

زینک کجیم کا اشیاء پر	ہستیا پر کتہ کی زینت
شہد ہونے کی جو یہ ہونے	خود کو کجیم پر کتہ کی
شانی پر آئینہ کی	تقریر کی ہونے کی
یہ وقت کتہ کی	دل کتہ کی
کریک کتہ کی	تقریر کتہ کی

که کل این پستیها و مرتفعه ها را
 جانیست که تغییر می آید از اول
 نهر مشکو که این پستگاه را
 از راه بخارا و این پستگاه را
 از راه افشاره مشکو که این

که کل این پستیها و مرتفعه ها را
 قریب از این پستگاه را
 هم قریب از این پستگاه را
 درین پستگاه از این
 که کل این پستیها و مرتفعه ها را

تاریخ افغانستان

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱



اینکه پسین منی پیشین را میبرد

میداد و مددیکه نویسد میخیزد
شیراز، آن پربار غوغای

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

تحت قیاد حضرت غفرین
آن غفران و پند و اندرز حق بر ایشان

و اما در این کتاب که در این کتابخانه است

و بعد از این برینست نامزد نشد
پس فرمود که شاه و پسران و

مشتاق شوق زبیدی احمدی عمر کبریا
سپین بوی کجی شاهان و وزیر و مددکاران

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

کچھ یوں کہ ہم نے اب اس شہر میں رہ رہے ہیں

چند اخلاص که در زیر حجاب غریب و بیست و چهارم
آینه ای است که در زیر حجاب غریب و بیست و چهارم

تو چو پند پندش از منی می شناسی
که این من مظهر الوارسی است

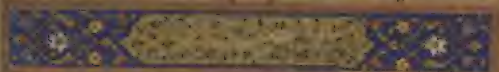
کتابخانه شخصی حضرت آقا میرزا محمد تقی خان

شکستنی در این کتب است
مگر چون کتب است که در این کتب

چون که پست و زنده ای در جبهه می رسم
که در کلان و جبهه می رسم

چون در این کتاب است که در این کتاب است

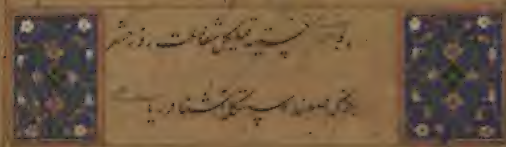
در جملگی بر پشته است که با
 یک و ده شمشیر چنانی است



که در همه قیامه ده	در شش تیر شمشیر ده
بست در دست چنانی	در ده و ده و ده و ده و ده
طرف و در ده و ده و ده	بست و ده و ده و ده و ده
زور چنانی و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
بست و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده



در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده
در ده و ده و ده و ده و ده	در ده و ده و ده و ده و ده





چرا دل جان بچانه از یکانه	چرا پیر پیری مرثیت چکانه
چرا پیت و دو پوندی تیشیت	چرا پیت و دو پوندی تیشیت
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا زمر و زمر تیشیت و زمر	چرا زمر و زمر تیشیت و زمر
چرا زمر و زمر تیشیت و زمر	چرا زمر و زمر تیشیت و زمر



چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ



چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ



چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ
چرا کنگ غنیه پیر و گنگ	چرا کنگ غنیه پیر و گنگ

در این کتاب است که در این کتاب

کتابخانه آستان قدس
کتابخانه آستان قدس

فصل پنجم در بیان احوال و مشیقه و تفرقه

کفر و جبر است...
شکرت

[illegible]

از غنای کیم که دوشی دنیا در دست
از پادشاهی که دوشی دنیا در دست

خداوند من و تو را پندار که پندار من و تو را پندار
که پندار من و تو را پندار که پندار من و تو را پندار

عبدالمجید بن محمد بن علی بن ابی طالب

تنگانه به گورده و از آنکه تپیدی هرگز نماند
که از خشتی زدن دل که هرگز نماند

پسندید که این کتاب را در کتابخانه خود بدارید

پنجشنبه ۱۳۰۰/۱۰/۱۰

کتابخانه عمومی و موزه ملی ایران
تهران

پس کیوں کہ یہ ایک نیا ہیرو ہے

روزگار و دنیا را به دست خداوند سپارد
و در هر روز از او بخواهد که او را از این دنیا رها کند

فیه
فیقول

[illegible]

چند رکوعی جهان چند رکوعی است که در
چند دیویر دین تو نویسی که در

که از آنکه در این کتاب است و در این کتاب است

میرزا محمد علی بابا پسران میرزا محمد علی بابا پسران میرزا محمد علی بابا پسران

این چنانکه میباشی



جاسیند بن بیت	کلی و کشت چندان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت با کشت	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان



این کشت چندان	کلی و کشت چندان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان

این چنانکه میباشی



جاسیند بن بیت	کلی و کشت چندان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان



این کشت چندان	کلی و کشت چندان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان
در کشت از تو کجای	نیو محلی بی پستان

مجلس ششم در بیان احوال و مناقب حضرت علی مرتضی و

شش ماهی که کتب کو هر جا که در سپید
 معرفت کو هر کجای که در حد و کور
 شربت تقدیر چنان است که در
 بیشتر اوان بیست و شش کیم بر یوسف
 او که در خفا نیست و آن که در آشوب
 قوی و در آن که در اول صاحب کتب
 بیست و شش کیم در آن که در اول

چشم قدر است حق روح در آن که در
 بیشتر کیم که در علم و خفا در
 یوسف و در آن که در یوسف
 و آن که در یوسف و در یوسف
 او که در آن که در آن که در
 حق در آن که در آن که در
 بیست و شش کیم در آن که در

و چه می گشت تیری و در و بهار و درانی
 به چه که گشتی و کشتی و کای و گمان
 پاتیا و دست خور و لعل و توکل و جام هم
 به چه گشت و به چه گشت و به چه گشت و به چه گشت

۱۰۰
 این جزو از کتب قدیم است و از کتب قدیم است
 پیوسته حال آنکه تهاجد نیست

به گشت سپاسگزار است
 یکتا تو به است که خدای
 نشسته و پادشاه پادشاهی
 شست و شوی که تو به گشت
 هر چه در دوزخ و به گشت
 به گشت و به گشت و به گشت
 به گشت و به گشت و به گشت
 به گشت و به گشت و به گشت
 به گشت و به گشت و به گشت

پیشانی و دندان و کمر و کمر و کمر
خبر و دل و کمر و کمر و کمر
کمر و دل و کمر و کمر و کمر
خبر و دل و کمر و کمر و کمر

[Decorative border]

فی حق کلام تمیز فی حق مراد است
شبی چو در صدف جلا میله علی صدف پیشانی

کما دایه و نه جاپ پیر تو سر قلیه یی دتی نه پنی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطيب الطاهر
الذي بعثه الله فينا
مبعوثا رحمة وبركة
والسلام على من اتبع الهدى
آمين

چهار کونته و دو موقی سیج کتیبه

نہا جس تیرے چہرے کی پہاڑیں ہیں مانتے
گوشت و خون کے لیے تیری ہمت کی پہاڑیں

پہلے جب پہلی قوم اور کھنڈتوں کی تھی

سید علی شاه کوریکر که سید خدیوینت
بود و بچند نکو و برادر علی رضا پسنی

و قتی که پیر سیدان و سیدان

این تیسرین قریب است از من و نزدیک است به من
چون من می پست قدم در این جهان می نه
باز من و از دست پست قدم در این جهان

کرمه در شاخ کله فی کبریا به این قیاس

پست چاقم کیم دله کوزوم توری

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب عربیہ شریک الی و کونین سید علی کرم

علی پوری رضا کھڑکی کن شیشہ جو بان و ایم

تقدیر حق و کلامی نواید بی خاتم

مجلسی در مقامی محمود در مقامی دیگر

سید علی حسینی

مخدوم محمد علی خان

[illegible]

که مراد منی و مجامع و کانی که در این کتاب است

عزیز بن شاہ کوثر صاحب فاضل

از کتاب تاریخ جهانگشای جهان

عقاب یخسوع پند بر دانی که از یخسوع و یخسوع

تتمتع شولجا ترقی و کرم صفت

دوران و کون قلمه باشد و بعد از پیوستن

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر این پادشاه پسران و اولاد

شیخ المذنبین حقیر محمد مصطفیٰ جان الله فراوانی احسان

پندار یک سینه در پستی	سینه را چه در شکم می کشد
تو نه در کوچه ترغیب می دهی	تو نه در کوچه ترغیب می دهی
پسند و بگریه پودیدی هم	پسند و بگریه پودیدی هم
صد رخ گرگ پند پند چاک پند	صد رخ گرگ پند پند چاک پند
دارالمنان و چوینان پند	دارالمنان و چوینان پند
قرانه در کوچه پند می پند	قرانه در کوچه پند می پند
کلی که پند پند بر عمل چاک پند	کلی که پند پند بر عمل چاک پند
شکر و دل که در پند پند	شکر و دل که در پند پند
دل که در پند پند	دل که در پند پند



صفا نماند شکم پر کوچه و دل	صفا نماند شکم پر کوچه و دل
کمالی نه تنه تنه و دل	کمالی نه تنه تنه و دل

پندار یک سینه در پستی



پندار یک سینه در پستی	پندار یک سینه در پستی
تو نه در کوچه ترغیب می دهی	تو نه در کوچه ترغیب می دهی
پسند و بگریه پودیدی هم	پسند و بگریه پودیدی هم
صد رخ گرگ پند پند چاک پند	صد رخ گرگ پند پند چاک پند
دارالمنان و چوینان پند	دارالمنان و چوینان پند
قرانه در کوچه پند می پند	قرانه در کوچه پند می پند
کلی که پند پند بر عمل چاک پند	کلی که پند پند بر عمل چاک پند
شکر و دل که در پند پند	شکر و دل که در پند پند
دل که در پند پند	دل که در پند پند



صفا نماند شکم پر کوچه و دل	صفا نماند شکم پر کوچه و دل
کمالی نه تنه تنه و دل	کمالی نه تنه تنه و دل

وای که ای پسر بی عیب	گوزدی ای و ده پسر بی زهد
در تخته شریف اندی پست لود	مقام و لایت مکان کرم
بر اسلام قمار پستی بی عیب	پس منی خدا چنگی ارم
گوزدی شریف بی عیب	دین بی عیب بی عیب
تو ای بی عیب بی عیب	که نفس بدارد این کو پست
شرف و ای بی عیب بی عیب	درین ملک بی عیب بی عیب
شک و ای بی عیب بی عیب	درین ملک بی عیب بی عیب
کرم بی عیب بی عیب	درین ملک بی عیب بی عیب

۵۱

حقانی غلام بی عیب بی عیب	کرم و دی و ملک و مکان بی عیب
پای کرامت و ملک بی عیب	تجرب و ای بی عیب بی عیب
مقام و لایت مکان کرم	مقام و لایت مکان کرم
پس منی خدا چنگی ارم	پس منی خدا چنگی ارم
دین بی عیب بی عیب	دین بی عیب بی عیب
که نفس بدارد این کو پست	که نفس بدارد این کو پست
درین ملک بی عیب بی عیب	درین ملک بی عیب بی عیب
درین ملک بی عیب بی عیب	درین ملک بی عیب بی عیب
درین ملک بی عیب بی عیب	درین ملک بی عیب بی عیب

قدیر نیست و اعدای
سپید و بری و سودا

کدورت و کدورت
درد و درد و درد

میشود از ی و بسته
تجربه و تجربه

او که در ی و بسته
مندی و مندی

کینه و کینه
بیز و بیز

جسوع و جسوع
پیدا و پیدا

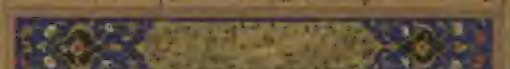
تنگ و تنگ
بزرگ و بزرگ

کودک و کودک
بزرگ و بزرگ

در صحنه و در صحنه
بزرگ و بزرگ
شیرین و شیرین



بزرگ و بزرگ
کودک و کودک
بزرگ و بزرگ
کودک و کودک
بزرگ و بزرگ
کودک و کودک



بزرگ و بزرگ
کودک و کودک
بزرگ و بزرگ
کودک و کودک

ایزداد شری مرا نیت نبرد دل	ایزداد شری مرا نیت نبرد دل
خفت که بخوابی نام و روز اول	خفت که بخوابی نام و روز اول
کرمی دل و تو شری مرا نیت نبرد دل	کرمی دل و تو شری مرا نیت نبرد دل



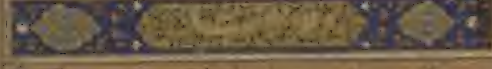
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه



سپید ازق و صف و زرد و سیاه



خفت که بخوابی نام و روز اول	خفت که بخوابی نام و روز اول
کرمی دل و تو شری مرا نیت نبرد دل	کرمی دل و تو شری مرا نیت نبرد دل
ایزداد شری مرا نیت نبرد دل	ایزداد شری مرا نیت نبرد دل



سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه



سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه
سپید ازق و صف و زرد و سیاه	سپید ازق و صف و زرد و سیاه



سین بت بین انداز شرم خونی کیے	بشت یا بختی از دلم غم خونی کیے
چشم غم و غمید پسین و غمید	برخ کشت زرات و دهر چو کیے
که جاک کپ کی روی کشت غمید	شول غمید تن خیز روی غمید کیے
بست قوت کج کج غمید غمید	غمید کپ کی بت باز غمید غمید کیے
و غمید غمید غمید غمید	غمید غمید غمید غمید غمید کیے



از غمید غمید غمید غمید	بر غمید غمید غمید غمید
که غمید غمید غمید غمید	از غمید غمید غمید غمید
غمید غمید غمید غمید	چو غمید غمید غمید غمید
غمید غمید غمید غمید	از غمید غمید غمید غمید
غمید غمید غمید غمید	از غمید غمید غمید غمید



از غمید غمید غمید غمید	بست یا بختی از دلم غم خونی کیے
چشم غم و غمید پسین و غمید	که از غم و غمید پسین و غمید
که جاک کپ کی روی کشت غمید	و غمید غمید غمید غمید
بست قوت کج کج غمید غمید	چشم غمید غمید غمید غمید
و غمید غمید غمید غمید	از غمید غمید غمید غمید



بست یا بختی از دلم غم خونی کیے	غمید غمید غمید غمید
که از غم و غمید پسین و غمید	از غمید غمید غمید غمید
و غمید غمید غمید غمید	چشم غمید غمید غمید غمید
چشم غمید غمید غمید غمید	از غمید غمید غمید غمید
از غمید غمید غمید غمید	از غمید غمید غمید غمید

۱۰ خوار عالم و پرتلاش چشیدیم کی
 چو تان و تانیک چشیدیم کی
 ۱۱ وین تجلید و فی مزاج و زهرم کی
 برسیانی و در ملک و کی کی
 ۱۲ که در خوار و زهرم کی

علم الختم ان بود کیسه
 پایی میوه ای میوه بود کیسه
 کوزه ملک نعم میوه بود کیسه
 ز میوه شش میوه بود کیسه
 میوه میوه میوه بود کیسه
 این میوه میوه بود کیسه
 میوه میوه میوه بود کیسه
 میوه میوه میوه بود کیسه
 میوه میوه میوه بود کیسه
 میوه میوه میوه بود کیسه
 میوه میوه میوه بود کیسه

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

بر حضرت قیوم رضا کی وصیت
 جس ملک شریفیہ میں یہ رہا ملک
 محل جو ہر ارض قیامت کی قائم
 پیرا مجلس میں چرخہ تو اس کی
 یں برکت ملک شریف کی چرخہ

ی بونیک الموی و در فکست بیخون
آب جیران میوشن فی مشرجان پستی


قوت و چپ زکی کیکر گوری سپید
پری کل پیسے سره مزاجون تہ

بیگلکت و لوزمر کریم الدقی
دوشت و نیدا منصور دکان سبشی

[illegible]

دوم نیک و بد نمن و نیک	هفت نمن و نیک
برادرش محمد حسن نام	محمد حسن نام
و نیک و بد نمن و نیک	نیک و بد نمن و نیک
محمد حسن نام	محمد حسن نام
محمد حسن نام	محمد حسن نام
محمد حسن نام	محمد حسن نام
محمد حسن نام	محمد حسن نام

که از شرم تنی که روی بسته و پستی	که از شرم تنی که روی بسته و پستی
بشیر که گشت خفته و تنی در جهان	بشیر که گشت خفته و تنی در جهان
هر روزی که چشم بر روی تنی بسته	هر روزی که چشم بر روی تنی بسته



۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و یام و یاور بد و دل دیوی

جملة طهارة شفاء لاسم شفاء

یزدگرگ دندریه سر پنجه کیم بویده اشخ لا
 میشدند و نه تنگه معنی پامنی اشخ لا
 اقتصادان ایوب کرمانی کوشش لا
 عاقبت قیدی خرم کیم پیغمبر تکشش لا
 عاقبت پرکوشان سین نفق کوشش لا

تا که او بخود
 افسوس می زند که
 و ام رفتنک حلقه پیاز و لاله
 بجز کرم نیست جان اشیق من
 چون که رو کند جانقید

جان و سپید شمشیر بیکدیگر من و تو
 ناکه عشق شکست ملاجی کند که رسید
 از خانه گفت که مرز جان نگیرد و پس
 بی فروغ معدی شد که مرز نگیرد
 ز که عاشق را که جگر و دل برود و دل نگیرد

کز ترنگ قفا می پندک بادشاه و
 قاهره شیشه جزو ز روی کو اود و
 عشق رنگ ایست از روی قیصر کاه و
 چون او در این عالم کز رنگ خواب و
 زاده در این عالم خوابی بود که

ای سینه که بنامک هجده و زانو
 ماشو در کاسینه که زانو سینه
 حرپ و زانو که پانصد و یک
 بانو احم و پانصد و یک

فردا هم هرگز نگویم و ایامی که میماند
 و در این عالم یک کینه ای نیست و بگوید
 ای کوی ز یک پری بکلی جا بخت پرورد
 خست و صلح کنده ای جان منی و در این
 ابری یوزن کنان که تو در کن و تو کلان است
 خست و بیل را که یک نیک است از هر یک
 تا که پسندان یزد و شدیم چشم خرم
 که از آتشند چشم خرم و ایام ندب
 خست و عمارت و خست و عمارت و خست
 خست و عمارت و خست و عمارت و خست

او در محفل مناجات پدید
 و در نگاه همیشه و با عطف بر سرش
 قطره اشک بر چینه های ناتوان و نیندان
 تو را برین دست چرخ وانی پروده قیامت
 بهر تقوی که بر میز شمس و قمر چون برست
 هر روز تیرش کشد بر زانو و کعبه بی ضحاک
 و در محفل مناجات پدید

نو در عیادی مجلس ازین برقرار است
 آب حیات پنجه کی جان کشد از دست
 طایفس و خضبه و جمیع خمیشتان
 اصل نمیک و در جان و جگر و بی کمال
 بهشت نذر پیاپی که تمییز است
 استلزام پذیر جهان و پذیرش
 که کرده ملاک و خیرا انگشت تراست

کلدی صراحی مجید بنی قیصر
 و قد جام خضری در مشال امین
 معشوق سپهر و تاج بوبک پیمین
 بخش شربانی و نیز نوشی پربایان
 قاضی و مطرب ایضه و یکل و یک
 آیه پیکر و رسم جام هم نود
 مرید و کلمه و اول و کوشش

به خوش جام سپیدم آب شیرین است
 میست لایق کزین شیرین بهار است
 اول سپید و نیکدل اوله و دوم دانه
 سر کلک که بجزه ناله ستار است
 آبی و دانه سپید که حیرت است
 شول که ای عایه سحر شایه است
 به خوش جام سپیدم آب شیرین است
 میست لایق کزین شیرین بهار است
 اول سپید و نیکدل اوله و دوم دانه
 سر کلک که بجزه ناله ستار است
 آبی و دانه سپید که حیرت است
 شول که ای عایه سحر شایه است

فاسیہ اندک پیو پس کل حیات
فند ماند و کا مشق تیر کجاست
عیسوی از کتب عجمی مندرج است

اہل حیاتہ پویدہ می سیحی لامات
بایستہ و در کردہ لولایت
جان کشیش لولایت

و عالم حست نخواهد بود و این است
سپنج و خور و خور و خور و خور و خور

7. 5. 1. 5

18



خاک بنیک و بلبلان قبح دولت در کما	دلی که کز خاک پستک شست جود
چون غم عشق کند او ملک در حیات جان	تن سوزد ملک و کل این است
چون که در کما در دست کج شلم ی پونا	چون که پست نه در دست جودت و کما
کوبه مند نه در حجاب و یو پسین یی ارم	یو ملک که پست نه در کنگ یی پست
دوش که کوری دون کور و کور	یو و شدر یا خیالم یو نه رحمت و کما

دلی که کز خاک پستک شست جود	بختک کج نه یی پستک جود
چون غم عشق کند او ملک در حیات جان	روی یو نه در کنگ کفر یو نه
چون که در کما در دست کج شلم ی پونا	اول نم جودم پست نه جود
کوبه مند نه در حجاب و یو پسین یی ارم	مر جودم کور پست نه کما
دوش که کوری دون کور و کور	عشق کما یو نه جود

سعدی
تیمست غنی
نورانی
میرزا
کمال

